

Analyzing the Subject of the Water Crisis Among Iran, Turkey and Iraq from the Neorealism Perspective (2000-2023)

Hadi Amouei PhD student, International Relations Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: hadiamouei@yahoo.com

Arsalan Ghorbani Sheikhneshtin *Corresponding Author*, Professor of the Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: arsalangh@yahoo.com

Didoukht Sadeghi Haghghi Assistant Professor, Department of International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. E-mail: did.sadeghi_haqiqi@iauctb.ac.ir

MohammadAli Khosravi Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran E-mail: moh.khosravi@iauctb.ac.ir

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Neorealism,
Hydropolitics,
Common Water Basin,
Water Crisis
Environmental-
Challenges.

ABSTRACT

Access to water resources is necessary to preserve the ecosystem, biodiversity, food security and sustainable development., everyone will start doing water supply projects for themselves. Therefore, the water crisis leads to economic, social and security problems. The current research raises this question: "How can we analyze the impact of the water crisis on the relations between Iran, Turkey and Iraq in the years 2000-2023?". It is hypothesized that "Regardless of the downstream countries, Turkey is trying to make these countries depend on its policies in this field through hydro-hegemony and controlling the upstream water resources". On the other hand, Iran and Iraq will also try to manage the effects of the water crisis by cooperating and forming a balancing action. This research uses the Neorealism approach because, from this point of view, the relationships of research variables can be better analyzed. The current research uses a descriptive-analytical method and the research data has been provided by referring to library and internet sources and specialized publications. The findings of the research show that Turkey has become a hegemonic actor in the common basin with its water policies and has faced Iraq and Iran with serious environmental and security issues.

Cite this Article: Amouei, H. , Ghorbani Sheikhneshtin, A. , Sadeghi Haghghi, D. , & Khosravi, M. (2024). Analyzing the Subject of the Water Crisis Among Iran, Turkey and Iraq from the Neorealism Perspective (2000-2023). *International Relations Researches*, 14(3), 151-177. doi: 10.22034/irr.2024.430915.2479



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.430915.2479

تأثیر بحران آب بر روابط ایران، ترکیه و عراق از منظر نواقع گرایي (۲۰۲۳-۲۰۰۰)

هادی عمویی دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رایانامه: hadiamouei@yahoo.com

ارسلان قربانی شیخ‌نشین نویسنده مسئول، استاد گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
رایانامه: arsalangh@yahoo.com

دیدخت صادقی حقیقی استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه: did.sadeghi_haqiqi@iauctb.ac.ir

محمدعلی خسروی استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
رایانامه: moh.khosravi@iauctb.ac.ir

چکیده	درباره مقاله
<p>دسترسی به منابع آب، جهت حفظ اکوسیستم، تنوع زیستی، امنیت غذایی و توسعه پایدار، ضروری است. بنابراین با بحران آب، رقابت میان دولت‌ها پدید می‌آید و باعث ایجاد معضل امنیتی می‌شود و از آنجایی که کسی نمی‌تواند مطمئن باشد که دیگران از منابع آب به روشی پایدار استفاده خواهند کرد، همه شروع به انجام پروژه‌های تأمین آب برای خود خواهند کرد. بدین ترتیب، بحران آب منجر به واکنش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی می‌شود. پرسشی که پژوهش حاضر طرح می‌کند این است «چگونه می‌توان تأثیر بحران آب بر مناسبات ایران، ترکیه و عراق در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۰۰ را تحلیل کرد؟» و این فرضیه طرح می‌شود که «ترکیه بدون توجه به کشورهای پایین‌دست، تلاش دارد تا از طریق نوعی هیدروژمونی و با کنترل منابع آبی بالادست، بتواند این کشورها را به سیاست‌های خود در این زمینه وابسته نماید. در مقابل، ایران و عراق نیز تلاش خواهند کرد تا با همکاری و شکل‌دادن به نوعی موازنه، لئان‌ناشی از بحران آب را مدیریت نمایند». این پژوهش از رویکرد نواقع‌گرایی بهره می‌گیرد زیرا از این منظر، روابط متغیرهای پژوهش را بهتر می‌توان تحلیل کرد. پژوهش حاضر از روشی توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و نشریات تخصصی، داده‌های پژوهش فراهم آمده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه با سیاست‌های آبی خود، به یک بازیگر هژمون در حوضه آبی مشترک تبدیل شده است و عراق و ایران را با چالش‌هایی جدی در مسائل زیست‌محیطی-امنیتی مواجه کرده است.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>کلیدواژه‌ها: نواقع‌گرایی، هیدروپلیتیک، حوضه آبی مشترک، بحران آب، چالش‌های زیست‌محیطی.</p> <p>تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۷</p>

استناد به این مقاله: عمویی، هادی، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، صادقی حقیقی، دیدخت، و خسروی، محمدعلی. (۱۴۰۳). تأثیر بحران آب بر روابط ایران، ترکیه و عراق از منظر نواقع‌گرایی (۲۰۲۳-۲۰۰۰). پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۳)، ۱۷۵-۱۷۷. doi: 10.22034/irr.2024.430915.2479
© نویسنده(گان)

افزایش تقاضای آب به دلیل توسعه در بخش کشاورزی، افزایش جمعیت و همچنین تغییرات اقلیمی جهانی و منطقه‌ای، دولت‌ها را وادار می‌سازد تا از منابع آبی موجود، حداکثر بهره‌برداری را داشته باشند و بدون توجه به اثرات منفی بر منافع امنیتی و زیست‌محیطی کشورهای پایین‌دست، اقدام به کنترل منابع آبی مشترک نمایند. این مسأله موجب ایجاد تنش میان دولت‌ها شده و می‌تواند باعث شکل‌گیری منازعه و جنگ میان کشورهای یک حوضه مشترک آبی شود. با این وصف، مطالعه دو حوضه مشترک میان ترکیه، عراق و ایران یعنی حوضه دجله-فرات و حوضه ارس-کورا، اهمیت می‌یابد. حوضه آبی مشترکی که در طی ۳ دهه اخیر، تحت تأثیر سدسازی‌های بالادست قرار داشته است. در «زیرحوضه فرات» در مجموع ۱۳ سد بزرگ بر روی این رودخانه در ترکیه، سوریه و عراق احداث شده و یا در حال ساخت است. در «زیرحوضه دجله» نیز از دهه ۱۹۳۰ تاکنون، سدهای متعددی بر روی سرشاخه‌های آن احداث شده یا در حال ساخت است. همچنین پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، ترکیه در قالب «پروژه گاپ» برنامه احداث ۸ سد را در دنبال کرده است و با پایان یافتن پروژه گاپ، ترکیه یک سوم آب ورودی به دجله را تحت کنترل خود در آورده است. «پروژه داپ» نیز بر روی حوضه ارس در حال نهایی شدن است که همچون دیگر پروژه‌های کنترل منابع آبی در ترکیه، کشورهای پایین‌دست را (همچون ایران) متأثر می‌سازد. با توجه به اهمیت این موضوع و از آنجا که ایران کشوری است با موقعیت جغرافیایی خشک و نیمه‌خشک که با بحران آب (چه در سطح داخلی و چه در سطح حوضه‌های آبریز مشترک و مرزی خود با همسایگان) مواجه می‌باشد، ضروری است که پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شود. بنابراین بررسی و پرداختن به تأثیرپذیری سرزمین ایران از بهره‌برداری بی‌رویه و کنترل منابع آبی مشترک در بالادست توسط ترکیه و عراق، از منظر سیاسی-امنیتی و زیست‌محیطی، اهمیت دارد. با این وصف، پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این پرسش بپردازد که «چگونه می‌توان تأثیر بحران آب بر مناسبات ایران، ترکیه و عراق در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۰۰ را تحلیل کرد؟» و این فرضیه طرح می‌شود که «ترکیه بدون توجه به کشورهای پایین‌دست، تلاش دارد تا از طریق نوعی هیدروهمژمونی و با کنترل منابع آبی بالادست، بتواند رفتار این کشورها را به سیاست‌های خود در این زمینه وابسته نماید. از طرف دیگر ایران و عراق در تلاش هستند تا با همکاری و شکل‌دادن به «موازنه تهدید» در برابر ترکیه، بحران آب و آثار ناشی از آن را کنترل و مدیریت نمایند. فرضیه رقیب نیز این است که همگرایی و همکاری در حوضه آبی مشترک میان ایران، ترکیه و عراق امکان‌پذیر می‌باشد و منافع جمعی این دولت‌ها نسبت به



منافع فردی آنها در اولویت قرار دارد. در پژوهش حاضر سیاست‌های آبی بازیگر بالادست حوضه مشترک یعنی ترکیه به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و چالش‌های بحران آب برای عراق و ایران به عنوان متغیر وابسته، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در راستای تحلیل روابط متغیرهای پژوهش، از چارچوب نظری نوواقع‌گرایی بهره گرفته شده است.

۱- پیشینه پژوهش

مقالات و تحقیقات علمی متعددی در مورد مسائل و چالش‌های بحران آب تألیف شده است که در اینجا به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

برتاو و همکاران (۲۰۲۲)، در مقاله خود تحت عنوان «بررسی گفتمانی هیدروپلیتیک: چارچوب مفهومی و دستورکار پژوهشی»^۱، به بررسی نقش گفتمان‌ها در شکل‌گیری سیاست‌های آبی و مسائل مربوط به آب‌های فرامرزی و منازعات یا همکاری‌های این حوزه، می‌پردازند.

کاوایانی‌راد و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش دیپلماسی آب در کاهش تنش‌های آبی ایران و عراق»^۲، تلاش داشته‌اند تا به شناسایی نیروهای محرکه مؤثر در تبدیل تنش‌های هیدروپلیتیکی به همکاری آبی ایران و عراق بپردازند. مدل مفهومی برآمده از آن نشان می‌دهد که دیپلماسی آب نقشی استراتژیک در کاهش تنش‌های هیدروپلیتیک در حوزه‌هایی نظیر: توسعه کشاورزی، ایجاد اشتغال، ثبات جمعیت، حق آبه زیست‌محیطی و بهبود منابع آب، دارا می‌باشد.

کسکینن و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله خود تحت عنوان «راه‌های دیپلماسی آب: رویکردی برای شناخت اقدامات دیپلماسی آب در آب‌های مشترک»^۳، در پی آن هستند که یک تعریف کلی از دیپلماسی آب مبتنی بر پنج جنبه کلیدی: «سیاسی، پیشگیرانه، همگرایی، همکاری، فنی» ارائه کنند. این پژوهش با مطالعه موردی «آسیای مرکزی، منطقه دلتای مکونگ در جنوب ویتنام و همکاری‌های آبی میان فنلاند و روسیه»، به تحلیل تطبیقی رویکردهای دیپلماسی آب پرداخته است. این پژوهش استدلال می‌کند که دیپلماسی

1- Bréthaut, Christian & Ezbakhe, Fatine & McCracken, Melissa & Wolf, Aaron & Dalton, James, (2022), "Exploring discursive hydroplitics: a conceptual framework and research agenda".

2- kavianirad, Morad & Sadrania, Hasan& Nasri Fakhredavood, Sedigheh & Hamid, Hussein, (2022), "Water Diplomacy Role in Easing Iran-Iraq Hydropolitical Tensions".

3- Keskinen, Marko & Salminen, Erik & Haapala, Juho, (2021), Water diplomacy paths: An approach to recognise water diplomacy actions in shared waters.



آب به عنوان یک مفهوم و رویکرد عملی، نمونه‌ای از موضوعات آینده سیاست خارجی است، که در آن استفاده و بهره‌برداری از آب‌های مشترک اهمیت فزاینده‌ای دارد.

عبدالهادی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر هیدروپلیتیک بر رابطه بین ترکیه و عراق از سال ۱۹۸۰»، به این پرسش می‌پردازد که آیا کمبود آب در کشوری مانند عراق، این کشور را به تنش و درگیری بیشتر با ترکیه می‌کشاند و آیا این اختلاف بین آنها می‌تواند منجر به جنگ شود یا می‌تواند از طریق توافق رضایت‌بخش، به اختلاف رسیدگی کنند؟ این پژوهش تلاش دارد تا در سه بخش به موضوع بپردازد. نخست به تبیین دیدگاه حقوقی حوزه رودخانه‌های غیر قابل کشتیرانی به طور کلی و سپس توافقی‌نامه‌ای که رابطه عراق و ترکیه را در رابطه با آب تعیین می‌کند، می‌پردازد. سپس ابعاد و اختلافات آبی برای هر دو طرف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، به راه‌های حل و فصل این اختلافات و مثبت بودن همکاری‌ها می‌پردازد.

اسداله‌ی و ذکی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه»، در پی پاسخ به این سؤال هستند که: هیدروپلیتیک پروژه گاپ چه تأثیری بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه داشته است و اهداف ترکیه از اجرای این طرح چیست. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای مرحله‌ای پروژه گاپ در طی چند دهه اخیر پیامدهای زیست‌محیطی بسیاری از جمله آلودگی آب، از بین رفتن گونه‌های کمیاب زیستی جانوری و گیاهی، افزایش بیابانزایی، شور شدن خاک، خشکی باتلاق‌ها و حوضچه‌ها و تولید ریزگردها در عراق و سوریه شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نتایج مطالعات فوق‌الذکر و سایر پژوهش‌ها، تلاش دارد تا از منظری متفاوت و بر مبنای نواقع‌گرایی، تعارضات سیاست‌های آبی اجرا شده در حوضه مشترک میان ایران، ترکیه و عراق و بحران‌های ناشی از آن را تحلیل نماید و در این زمینه نوآوری داشته باشد. بدین منظور از روشی توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود و با رجوع و استناد به منابع کتابخانه‌ای، مقالات و نشریات تخصصی و همچنین منابع اینترنتی و روزنامه‌ها و سایر منابع، اطلاعات پژوهشی فراهم آمده است.

۲. چارچوب نظری نواقع‌گرایی: چرایی انتخاب و قدرت تبیین آن در تحلیل بحران آب

از لحاظ تاریخی، بازتاب مسائل آب و مناسبات آن در پارادایم واقع‌گرایی از دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰ و با ظهور مطالعات «هیدروپلیتیک»، نمود پیدا کرده است (Julien, 2012: 46). به طور کلی، تحلیل‌های نظری



در مورد سیاست‌های آبی، بسیار تحت تأثیر دو نظریه کلیدی در روابط بین‌الملل یعنی نواقح‌گرایی و «نونهادگرایی» بوده‌اند. به عقیده نواقح‌گرایان، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی هستند که هدف‌شان به حداکثر رساندن قدرت نسبی خود در مقایسه با سایر دولت‌هاست. براساس این چارچوب، «منازعه» یک اصل دائمی است و بدین جهت، همکاری و توافقات بر سر رودخانه‌های بین‌المللی یا حوضه‌های آبی مشترک، تا حد زیادی شکست می‌خورند، چرا که نگرانی‌های اصلی کشورها در مورد حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت‌شان را به چالش می‌کشد. از سوی دیگر، نونهادگرایان این تصور را رد می‌کنند که «قدرت» تنها عاملی است که روابط میان دولت‌ها را تعیین می‌کند. آن‌ها معتقدند که ظهور همکاری بین دولت‌ها، از جمله در نوشتن معاهدات آب‌های مشترک مرزی و فرامرزی، زمانی امکان‌پذیر است که مشکلات مربوط به انطباق و بی‌اعتمادی، با کمک نهادهایی که اطلاعات ارائه می‌دهند، منجر به کاهش هزینه‌های مبادلات طرفین شود و با افزایش شفافیت، عدم اطمینان را برای طرفین کاهش دهد (Allouche, 2020: 286).

نگرانی‌های نواقح‌گرایان در مورد «استقلال، منافع ملی و حاکمیت دولت‌ها»، در مطالعه همکاری بر سر مسائل آب، مهم‌ترین رویکرد آنها به موضوع است. در واقع، آن‌ها استدلال می‌کنند که همکاری بر سر حوضه‌های آبی مشترک، اغلب با شکست مواجه می‌شود، زیرا نگرانی‌های اصلی دولت‌ها مانند «حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت» را به چالش می‌کشد. اساساً دولت‌ها علاقه‌ای ندارند که منابع طبیعی خود را با سایرین به اشتراک بگذارند. به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن روابط دولت‌ها و آسیب‌پذیری‌های وابستگی متقابل، دولت‌ها تمایلی به انعقاد قراردادهای الزام‌آور و بلندمدت برای تقسیم منابع آب یا منافع حاصل از آن با همسایگان خود ندارند. بنابراین با توجه به نگرانی‌های نواقح‌گرایان، به نظر می‌رسد که همکاری بر سر منابع آبی و حوضه‌های مشترک، اصلاً شکل نمی‌گیرد؛ زیرا همکاری میان کشورهای رخ می‌دهد که دغدغه امنیت یا دشمن مشترک داشته باشند. مقابله با کمبود یا بحران آب در یک حوضه مشترک، ممکن است این انگیزه مهم را برای همکاری فراهم کند تا این دولت‌ها به سیاست‌های یکجانبه پایان دهند و به این درک مشترک برسند که پروژه‌های مشارکت‌جویانه و یکپارچه، مزایای بیشتری را به همراه خواهد داشت، به جای اینکه آن دولت‌ها بر سر منابع آبی مشترک در تعارض باقی بمانند. در این وضعیت، مشکل همکاری این است که اطمینان حاصل شود همه کشورها به تعهدات خود نسبت به توافق پایبند خواهند ماند و برای این منظور، نهادها و رژیم‌هایی ایجاد شوند. بنابراین، مانع اصلی برای تقویت همکاری دولت‌ها، توافق در مورد شرایط و ترتیبات سازمانی و نهادی است که طرفین را متعهد می‌سازد یا توافق در مورد آن منافع متقابلی است که برای همه ذینفعان فراهم می‌شود (Dinar, 2008:)



16-17). با توصیفات فوق، علت انتخاب رویکرد نواقع‌گرایی این بوده است که چون مسأله بحران آب، پتانسیل بسیار زیادی برای درگیری بر سر دسترسی به منابع آبی دارد، بنابراین می‌تواند باعث منازعه بین مناطق و گروه‌های داخلی دولت‌ها و در موارد شدیدتر میان دولت‌ها گردد. بر این اساس، در مواردی که درگیری بین دولت‌ها بر سر منابعی مانند آب رخ می‌دهد، رویکرد واقع‌گرایانه است که می‌تواند توضیح مفیدی از چرایی وقوع درگیری‌ها و چگونگی اجتناب از آنها ارائه دهد.

۱-۲. منازعات یا همکاری در مسأله بحران آب

گفته می‌شود که شکل‌گیری منازعه یا همکاری میان دولت‌ها در حوضه‌های مشترک آبی (مرزی یا فرامرزی)، در بستر نظریه‌های روابط بین‌الملل، بهتر قابل فهم می‌باشد. این نظریه‌ها بر مبنای تصویر بزرگتری که پیش می‌نهند، می‌توانند استدلال‌هایی برای اینکه چرا دولت‌ها ممکن است در برخی موارد همکاری کنند و در مواردی دیگر به منازعه پردازند، ارائه نمایند. رویکرد نواقع‌گرایی، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رهیافت‌های فکری در روابط بین‌الملل، به طور ویژه برای تحلیل منازعه و همکاری دولت‌ها بر سر حوضه‌های آبی مشترک مورد اشاره قرار می‌گیرد. نواقع‌گرایان استدلال می‌کنند که دلایلی همچون: «نگرانی‌های امنیتی»، «ترجیح دولت‌ها برای کاهش وابستگی متقابل»، «برداشت از همکاری به عنوان بازی با حاصل جمع صفر یا نهایتاً حصول دستاوردهای نسبی»، مانع از همکاری دولت‌ها بر سر مسأله آب می‌شود؛ حتی هنگامی که همکاری اتفاق می‌افتد دولت‌های قدرتمند حوضه، نقش مهمتری در ایجاد قوانین و توافقات ایفا می‌کنند تا منافع بیشتری را بدست آورند (Mirumachi, 2015: 27).

بدین ترتیب، کمبود آب و دسترسی اندک به منابع آبی اگر با وابستگی متقابل به رودخانه‌ها یا منابع آبی مشترک با یک کشور دیگر ترکیب شود، طرفین را در موقعیتی بسیار مخاطره‌آمیز و بالقوه ناپایدار قرار می‌دهد. از منظر نواقع‌گرایی، وابستگی متقابل نه تنها حساسیت‌های بین کشورها را برجسته می‌کند، بلکه آسیب‌پذیری‌های متقابل آنها را نیز نشان می‌دهد. این امر باعث می‌شود که همکاری دشوارتر و تنش‌ها بیشتر شود، زیرا دولت‌ها همواره تلاش دارند وابستگی خود را به سایر کشورها کاهش دهند. بنابراین همکاری به دلایل مذکور بسیار دشوار است و ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، دولت‌ها را مجبور می‌سازد که صرفاً به بقای خود اهمیت دهند. از آنجا که هیچ قدرت مرکزی یا دولت جهانی وجود ندارد، دولت‌ها بر مبنای اصل «خودیاری»، در کنار سایر بازیگران نظام بین‌الملل هم‌زیستی می‌کنند. به عقیده نواقع‌گرایان، دولت‌ها علاوه بر نگرانی‌هایشان در مورد بقا، به دستاوردهای دولت‌های دیگر، نسبت به دستاوردهای خود، نیز حساس هستند. همکاری میان دولت‌ها ممکن است وضعیتی را ایجاد کند که در



آن، یک کشور منافع بیشتر از دیگری به دست آورد و به آن اجازه دهد از این دستاوردها برای آسیب‌رساندن به دیگر کشورها استفاده کند. بنابراین، یک دولت اگر به این باور برسد که منافع متقابل، بیشتر به نفع دیگر شرکا می‌باشد، ممکن است از پیوستن به ترتیبات همکاری‌گرایانه امتناع کند، یا آنرا ترک نماید و یا تعهدات خود را نسبت به آن محدود سازد. به عقیده نوافع‌گرایان، معضل «سود نسبی» همراه با چالش‌های امنیتی دولت‌ها در چارچوب ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی، همکاری را به امری خلاف قاعده و غیر طبیعی تبدیل می‌کند. دولت‌ها حتی زمانی که منافع مشترکی دارند، اغلب در همکاری با یکدیگر شکست می‌خورند. پس امکان درگیری و منازعه، ریشه در ماهیت سیاست بین‌الملل و در مبارزه مداوم برای قدرت، بقا و دستاوردهای نسبی دارد. علاوه بر این، با توجه به دستاوردهای نسبی، دولت‌ها ممکن است از همکاری امتناع کنند، حتی زمانی که مطمئن باشند شرکای‌شان به تعهدات خود برای همکاری عمل می‌کنند؛ زیرا همکاری‌هایی که بین دولت‌ها شکل می‌گیرد یا نتیجه ترتیبات مشترکی است که به نفع همه آنها همراه با منافع متوازن و عادلانه است (زیرا منافع ناتوازن به نفع یکی از طرفین، ممکن است به ضرر سایرین مورد استفاده قرار گیرد)، یا صرفاً بازتابی از توزیع قدرت می‌باشد. بنابراین طرف‌های محروم، ممکن است با پرداخت هزینه‌های جانبی، نگرانی از سود نسبی طرف‌های دیگر را جبران نمایند. مورد دیگر همکاری این است که دولت‌ها زمانی همکاری می‌کنند که همکاری در خدمت منافع قدرتمندترین دولتی باشد که ابتکار عمل را در تدوین یک رژیم همکاری‌گرایانه به دست می‌گیرد. رویکردی که به عنوان «نظریه ثبات هژمونیک» شناخته می‌شود؛ در این نظریه پیش‌بینی می‌شود که همکاری تنها با وجود یک هژمون و تنها در صورتی شکل می‌گیرد که آن بازیگر هژمون، تصمیم به فرمول‌بندی یک رژیم همکاری‌گرایانه داشته باشد. این نظم تحمیلی، نه تنها توسط قدرت‌های مسلط تقویت می‌شود بلکه اغلب به رضایت بازیگران تابع و فرعی، نیازی ندارد. این نظم معمولاً با اجبار، همکاری و دستکاری انگیزه‌ها ایجاد می‌شود. در این دیدگاه از هژمونی بدخواهانه، دولت‌ها منتظر نقص در نظم موجود و آماده برای ترک این نظام هستند و باید مجبور شوند که این کار را نکنند. بنابراین عدم تقارن قدرت بازیگران، موجب آن همکاری شده است و اگر هژمون تمایل به حفظ این نظم داشته باشد، همکاری تداوم پیدا می‌کند (Dinar, 2008: 11-12).

۲-۲. هیدروهژمونی

مفهوم «هیدروهژمونی» از اصطلاحات جدید در روابط بین‌الملل است که از محاسبات نوافع‌گرایان از مفاهیم «قدرت» و «هژمونی» در نظریه‌های روابط بین‌الملل نشأت می‌گیرد. این مفهوم ذیل مباحث



هیدروپلیتیک و توسط «زیتون و وارنر» در سال ۲۰۰۶ مطرح گردید و بر موضوع نقش و جایگاه آب در برقراری وضعیت برتری یک بازیگر نسبت به سایرین معطوف شده است و با توجه به ویژگی‌های یک حوضه آبی مشترک، به بررسی مناسبات کشور هیدروهمژمون به عنوان کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک (در برابر سایر شرکا و منتفعین) می‌پردازد، بگونه‌ای که طی آن، رابطه میان کنترل منابع آبی با مفهوم «قدرت» به عنوان عامل کلیدی در معادلات بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. در این چارچوب، کشور همژمون در تلاش است با تعیین میزان، زمان و چگونگی استفاده دیگران از منابع مشترک آبی، برتری طلبی خود را اعمال و بر سایر حوزه‌ها تسری دهد؛ بدین معنا که رفتار کشورهای پایین‌دست در یک حوضه آبی مشترک را به نتایج سیاست‌های کشور بالادست، وابسته نماید. به طور کلی، مفهوم «هیدروهمژمونی» برای واکاوی نحوه مناسبات آبی کشورهای حوضه آبریز مشترک، طرح شد و بر مبنای این مفهوم بیان می‌شود که چگونه همکاری یا منازعه بر سر منابع آبی، مطابق ترجیحات کشور هیدروهمژمون ایجاد می‌شود (Zeitoun and Warner, 2006: 440- 448). زیتون و وارنر، برای تحلیل وضعیت هیدروهمژمونی، سه مؤلفه در نظر می‌گیرند که عبارت است از:

- **قدرت:** مفهوم هیدروهمژمونی توضیح می‌دهد که چگونه سازمان‌ها، نهادها، معاهدات و تعاملات میان دولت‌ها، تحت تأثیر «قدرت» قرار می‌گیرند. این مفهوم نشان می‌دهد که «قدرت»، به جای اصول کلی حقوق بین‌الملل، موقعیت جغرافیایی، یا حتی دسترسی به منابع آب، چگونه نتایج تعاملات دولت‌ها را توضیح می‌دهد؛ زیرا «دولت‌های قدرتمند» به منابع راهبردهای اعمال قدرت، دسترسی بیشتری دارند (Hayat and others, 2022: 1728).
- **موقعیت جغرافیایی:** کشورهای بالادست می‌توانند جریان آب را به طرق مختلف تغییر دهند و بر کشورهای پایین‌دست اثر بگذارند؛ به عنوان مثال با ایجاد سد، امکان انحراف آب یا آلوده‌سازی آب جاری به سمت پایین‌دست وجود دارد.
- **ظرفیت بهره‌برداری:** کشور بالادست اگر توانایی، امکانات و ابزار لازم برای کنترل منابع آبی داشته باشد، موقعیت هیدروهمژمون خود را تثبیت می‌نماید. بدین ترتیب، اگر کشوری از توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیار بالاتری نسبت به کشورهای پایین‌دست برخوردار باشد، ظرفیت بیشتری در این کنترل و استفاده از منابع دارد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۸).



نمونه بارز تطبیق این مؤلفه‌ها، کشور ترکیه است که در بالادست رودخانه‌های دجله و فرات واقع شده و در این حوضه، از توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیار بالاتری نسبت به کشورهای پایین‌دست برخوردار است و پتانسیل بالایی در استفاده از زیرساخت‌ها و ساخت سدهای متعدد دارد. در نتیجه، هیدروهمون منطقه به حساب می‌آید. نمونه دیگر این است که در صورتی که کشور پایین‌دست قدرت بیشتری داشته باشد، می‌تواند کنترل‌کننده جریان آب باشد. برای مثال، کشور لبنان و سوریه در بالادست رودخانه اردن واقع شده‌اند، اما کشور هیدروهمون نمی‌باشند، بلکه رژیم صهیونیستی که در میانه جریان است، با توجه به قدرت و پتانسیل استفاده از زیرساخت‌هایی که دارد، کشور هیدروهمون حوضه مشترک آبی محسوب می‌شود (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۸). به طور کلی کشوری هیدروهمون است که در مجموع این سه مؤلفه مذکور، نسبت به سایر کشورهای حوضه آبریز، برتری داشته باشد. لذا در کنار مؤلفه کلیدی «قدرت»، وجود موقعیت جغرافیایی برتر و امکان بهره‌برداری و توان فنی، می‌تواند در همون‌شدن یک کشور در حوضه آبی مشترک مؤثر واقع شود.

۳. هیدروپلیتیک حوضه آبی مشترک میان ایران، ترکیه و عراق

تقریباً تمام کشورهای خاورمیانه از درجاتی از کمبود آب یا بحران جدی در این زمینه، رنج می‌برند. در این منطقه، آب به عنوان یک «منبع ملی» در نظر گرفته می‌شود، به جای اینکه همچون یک «منبع جهانی» به حساب آید که باید میان همه مشترک باشد (Amery & Wolf, 2000: 229). بدین جهت، اقدامات مستقلی توسط دولت‌ها انجام شده که روابط بین دولت‌های منطقه را در مورد مسائل آبی، به طور فزاینده‌ای بدتر کرده است (Altinbilek, 2004: 28). بر این اساس می‌توان گفت از آنجا که منطقه خاورمیانه چالش‌برانگیزترین حوضه آبی در جهان را دارا می‌باشد، از منظری واقع‌گرایانه می‌توان پیش‌بینی کرد که «بحران آب در منطقه، منجر به جنگ آب خواهد شد» (Axelrad Cahan, 2017: 39). با توجه به این وضعیت کلی در منطقه، در اینجا به وضعیت منابع آبی و حوضه مشترک میان ایران، عراق و ترکیه اشاره می‌گردد.

۳-۱. هیدروگرافی ایران

کشور ایران از نظر اقلیمی جزء مناطق نیمه خشک خاورمیانه است و بیش از یک چهارم مساحت آن بیابانی و فاقد آب کافی برای اسکان جمعیت می‌باشد. ایران پانزده مرز مشترک آبی دارد. ایران حدود ۵



هزار رودخانه بزرگ و کوچک دارد که ۸۹ رودخانه، جزء رودخانه‌های مرزی هستند. در دسته‌بندی رودخانه‌های مرزی، ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای همجوار، ۶۸ رودخانه خروجی و ۴ رودخانه نیز ورودی هستند (نامی، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۵۰). رودخانه‌های ورودی عبارتند از ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و رودخانه‌های هریرود و هیرمند که از افغانستان سرچشمه می‌گیرند. در مقابل، رودخانه‌های خروجی از کشور را می‌توان در ۹ دسته تقسیم کرد. ۱۴ رودخانه به دریای خزر می‌ریزند، ۶ رودخانه در شمال غرب به رود ارس می‌ریزند، ۹ رودخانه دیگر در شمال غربی و شرقی کشور سالیانه حدود ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب را از کشور خارج می‌کنند، ۳ رودخانه در خراسان رضوی به هریرود می‌ریزند، رودخانه‌های لار، پیران و روتک نیز سالیانه حدود ۵۰ میلیون متر مکعب آب را از ایران به پاکستان جاری می‌کنند، ۱۲ رودخانه هم به خلیج فارس و هورالعظیم جاری می‌شوند؛ رودخانه‌های باهوکلات، میناب و کاجو نیز به دریای عمان می‌ریزند و در نهایت ۱۸ رودخانه از غرب کشور بیش از ۷ میلیارد مترمکعب آب را از ایران خارج کرده و به عراق می‌ریزند. به طور کلی ۱۰ استان مرزی ایران دارای رودخانه مشترک با کشورهای همسایه هستند (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۴۱-۲۳۹).

۳-۲. هیدروگرافی ترکیه

ترکیه دارای آب و هوای نیمه‌گرمسیری و نیمه‌خشک است و میانگین بارش سالانه در ترکیه ۶۴۳ میلی‌متر می‌باشد. به دلیل تنوع در توپوگرافی، این کشور در نقاط مختلف اقلیم متنوع دارد. متوسط سالانه رواناب در این کشور تقریباً ۱۲۶ میلیارد مترمکعب است که ترکیه مدعی است که تنها از ۴۵ میلیارد مترمکعب آن استفاده می‌کند. این کشور دارای ۲۵ حوضه آبریز بزرگ است که مهمترین حوضه مشترک این کشور با عراق و ایران شامل دو مورد اصلی می‌شود:

حوضه آبریز دجله و فرات

حوضه رودخانه‌های دجله و فرات بین شش کشور ترکیه، سوریه، عراق، ایران، عربستان و اردن مشترک هستند. دجله و فرات در منطقه‌ای بین دو اقلیم مرطوب و بیابانی قرار دارند و میزان جریان آب در این دو رودخانه در فصول مختلف دارای نوسانات بسیاری است. مساحت حوضه آبریز فرات ۲۸ درصد در ترکیه، ۴۷ درصد آن در عراق، ۲۲ درصد در سوریه و بخش دیگری از آن در کشورهای عربستان و اردن قرار دارد. مساحت حوضه دجله نیز حدود ۲۵ درصد در ترکیه و ۱۹ درصد در ایران ۵۶ درصد در عراق و ۴ درصد در سوریه واقع شده است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۲-۳۱۳).



حوضه آبریز ارس - کورا

حوضه آبریز ارس-کورا بخشی از کشورهای گرجستان، آذربایجان، ترکیه، ایران و کل کشور ارمنستان را در بر گرفته است. از تمام مساحت حوضه که حدود ۱۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع است، تقریباً دو سوم آن در سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان است و بقیه حوضه در ترکیه و ایران است که شامل دو رودخانه اصلی ارس و کورا است که به ترتیب ۴۵ و ۵۵ درصد از آب حوضه را تأمین می‌کنند. رودخانه کورا از ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از مرز گرجستان و آذربایجان عبور کرده و به دریای خزر می‌ریزد. رودخانه ارس هم از ترکیه شروع می‌شود و از مرز ارمنستان و جمهوری آذربایجان با ایران عبور کرده و در آذربایجان به رودخانه کورا می‌پیوندد. تلفیق دو رود ارس و کورا با طی ۲۱۰ کیلومتر به دریای خزر تخلیه می‌شود (قریشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۲-۳۱۵).

۳-۳. هیدروگرافی عراق

شبکه هیدروگرافی عراق متشکل از دو رودخانه بزرگ دجله و فرات است. در حقیقت رگ حیاتی کشور عراق، رودخانه‌های دجله و فرات است که در استفاده از آن در موقعیت پایین دست قرار دارد (محرابی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۶). از جمله شاخه‌های اصلی دجله می‌توان به زاب بزرگ، زاب کوچک، عظیمه و سیروان از ایران اشاره کرد. از میانگین آب دو رودخانه دجله و فرات در حدود ۶۳/۲ درصد از ترکیه تأمین می‌شود. ۹۵ درصد جریان سالانه فرات و سرشاخه‌های آن از ترکیه به عراق سرازیر می‌شود. این میزان در دجله به حدود ۴۴ درصد می‌رسد. بخشی از آب دجله نیز از ایران سرچشمه می‌گیرد. از ایران سالانه حدود ۹/۷ میلیارد مترمکعب آب از طریق رودخانه‌هایی از قبیل زاب بزرگ و کوچک، سیروان و اروند و ... به حوضه دجله سرازیر می‌شود. در مجموع، حدود ۱۲ درصد از حجم آب‌های سطحی ایران به عراق سرازیر می‌شود (نیرومندفرد و شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۴۱-۲۴۳). همچنین در شمال شهر بصره در کشور عراق و در ناحیه‌ای به نام «القرنه» دجله و فرات به هم پیوسته و شط‌العرب را تشکیل می‌دهند. شط‌العرب تا ۸۰ کیلومتری در خاک عراق جریان می‌یابد و پس از آن با دریافت رودخانه کارون از نهر خین تا سواحل خلیج فارس به نام اروندرود به طول ۹۳ کیلومتر مرز بین‌المللی ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. شط‌العرب از طریق کارون به عنوان بزرگترین و طولانی‌ترین رود ایران، آخرین آبریز خود را دریافت می‌دارد (نامی، ۱۳۹۰: ۸۱).



۴. سیاست‌های تهاجمی ترکیه در حوضه آبی مشترک

آب به منزله کالایی استراتژیک محسوب شده که وجود آن برای دولت‌ها حیاتی است و نبود آن بقای دولت‌ها را تهدید خواهد نمود. بر این اساس، راهبرد ترکیه در پرتو سیاست‌های آبی و طرح‌های بزرگ سدسازی در حوضه آبریز مشترک نشانه رویکرد تهاجمی در جهت هژمون‌گرایی در منطقه باشد، زیرا ترکیه به میزان بسیار زیادی بر منابع آبی بالادست منطقه کنترل دارد و از جمله کشورهایی در منطقه است که «بحران آب» تهدیدی وجودی برای آن به شمار نمی‌رود. اما ترکیه با توجه به بحران آبی آینده در منطقه و اهمیت آب در معادلات مربوط به نظم منطقه‌ای در خاورمیانه می‌کوشد از مؤلفه آب به عنوان یک اهرم در مدیریت نظم منطقه بهره‌برداری کند (حمیدی و مزدخواه، ۱۴۰۱: ۴۴). بنابراین ترکیه تلاش دارد از آب، به عنوان ابزاری سیاسی علیه عراق و ایران (و سوریه) استفاده کند. این مسأله، نشان می‌دهد پروژه‌های «گاپ و داپ»، برنامه‌ریزی ترکیه برای ایجاد کمبود آب در کشورهای پایین‌دست است و باعث محروم کردن آن‌ها از حق آبه‌ای می‌شود که چند هزار سال به آن وابسته بوده‌اند (Salameh and Al-Ansari, 2021: 162-163). بنابراین، سیاست‌های آبی بالادست و تلاش برای هژمون‌شدن، پیامدهایی برای کشورهای پایین‌دست خواهد داشت که به تهدیدات و چالش‌های جدی برای آنها تبدیل شده و تداوم خواهد یافت. در ادامه به مهمترین چالش‌های این بحران اشاره خواهد شد.

۴-۱. تغییر روند طبیعی و تاریخی حوضه آبی مشترک

آن گونه که در تحقیقات و تحلیل «گروه آینده‌نگاری استراتژیک» نشان داده شده است، حوضه آبی مشترک «دجله و فرات» میان ترکیه، عراق و ایران، طی سالیان و به طور مداوم، منابع خود را از دست داده‌اند و در حال تبدیل شدن به انباری از باروت برای کشورهای این حوضه آبی هستند (David and Passarelli, 2015: 147). ترکیه که در ابتدای جریان آب قرار دارد برای خود «حق مطلق برداشت و کنترل» آب‌هایی که سرچشمه‌اش در خاک ترکیه است، قائل می‌باشد و ادعای همسایگان مبنی بر حق اولیه و تاریخی را به طور قاطع رد می‌کند. ترکیه در مورد رودخانه‌های این حوضه، یک نوع «مصرف بهینه» را توصیه می‌کند و معتقد است باید سیستم آبیاری این کشورها اصلاح شود. همچنین ترکیه ادعا می‌کند که احداث سد موجب تنظیم جریان منظم آب به همسایگان می‌شود، مثلاً طی ۱۹۸۹-۱۹۹۱ که نوسان آب زیاد بود و با اینکه جریان آب فرات کمتر از ۵۰ متر مکعب بر ثانیه شده بود ولی ترکیه با رهاسازی آب از پشت سدها، این میزان را به ۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه افزایش داد. در مقابل، کشور عراق



بر مسیر طبیعی رودها و حق تاریخی مردم بین‌النهرین از زمان پیدایش تمدن (از ۶۰۰۰ سال قبل)، قائل است و اعتقاد دارد که باید نیازها سنجیده شود و ترکیه اجازه خروج ۷۰۰ متر مکعب آب در ثانیه را بدهد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱).

مطابق گزارش برنامه امنیت و تغییرات محیطی «مرکز مطالعات ویلسون»، «پروژه گاپ» به عنوان یکی از بزرگترین پروژه‌های آبی در جهان شناخته می‌شود که بر رودهای دجله و فرات اجرا شده است. این پروژه در بر دارنده ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی بر روی دجله و فرات است. «سد آتاتورک»، حدود ۴۹ میلیارد متر مکعب ظرفیت ذخیره آب دارد. سد مهم دیگر «ایلیسو»، معادل سه برابر بزرگترین سد ایرانی یعنی کرخه، ظرفیت ذخیره آب دارد (اسدالهی و ذکی، ۱۳۹۹: ۵). در جدول زیر مهمترین سدهای ترکیه ذکر شده است.

مهم‌ترین سدهای بالادست در حوضه دجله و فرات

رودخانه فرات						
نام سد	کاراکایا	هانکگرز	آتاترک	کامگازی	کارکامیس	بیرسیک
سال تکمیل	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۱۳
رودخانه دجله						
نام سد	کرالکیزی	دیسل	باتمان	گازان	ایلیسو	
سال تکمیل	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۳	۲۰۱۲	۲۰۱۸	

منبع: (طاهرخانی، ۱۴۰۱).

مجموعه سدها و نیروگاه‌های ساخته شده در جنوب شرق ترکیه، شرایطی را ایجاد کرده که در عراق (و سوریه)، فرآیند بیابان‌زایی در این کشورها افزایش یابد و میلیون‌ها هکتار از مزارع کشاورزی قابل کشت آنها، از بین برود. نتیجه این رخداد شکل‌گیری ریزگردهایی است که به وسیله بادهای مدیترانه‌ای به سمت شرق و به ویژه ایران منتقل و هر سال بر حجم آن افزوده شده است. از نکات مهمی که در مورد «پروژه گاپ» به آن اشاره می‌شود این است که در این طرح، ارزیابی‌های زیست‌محیطی به ویژه در رابطه با کشورهای پایین‌دست، مورد توجه مقامات ترکیه نبوده است. بلکه ترکیه جدا از اهداف اعلامی خود، یعنی توسعه کشاورزی، گردشگری و اقتصاد جنوب شرق ترکیه، اهدافی چون تغییر ترکیب جمعیتی



جنوب شرق ترکیه و نیز ایجاد برتری ژئوپلیتیکی برای خود در برابر کشورهای پایین دست، را دنبال کرده است (محرابی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۲). بر این اساس، انتظار می رود کنترل منابع آبی و سدسازی های ترکیه بر روی دجله و فرات، علاوه بر تأثیرات قابل توجه در کاهش جریان طبیعی این رودها، منجر به شکل گیری معضلات اقتصادی، سیاسی- امنیتی و زیست محیطی در کشورهای عراق و ایران در پایین دست گردد.

۲-۴. کنترل منابع آبی: پروژه های امنیتی در جهت حل چالش گردها

ترکیه پس از تشکیل جمهوری جدید در سال ۱۹۲۴ یکی از دغدغه های خود را کنترل گردها و نهایتاً تغییر ساختار سیاسی در کردستان عراق و به حاشیه راندن و همانندسازی گردهای عراق و سوریه (با فشار بر این دولت ها)، قرار داده است (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵۹). بنابراین می توان گفت ابعاد امنیتی هیدروپلیتیک ترکیه در کنار ابعاد داخلی، سیاست مهار گردها در مناطق همجوار را نیز در بر می گیرد و بدین جهت، سدسازی ها و کنترل منابع آبی از چند منظر به پروژه امنیتی برای ترکیه تبدیل شده است. نخست: اینکه موجب جابجایی هایی در جمعیت بومیان ساکن در منطقه آبیگری سدها شده است. برای مثال «پروژه گاپ» منجر به جابجایی حدود ۳۵۰ هزار نفر شده است که گردهای منطقه، بیشترین بی جاشدگان را تشکیل می دهند و اگرچه دولت برنامه هایی را برای تضمین گرامت در نظر گرفته است، اما بخش بزرگی از این آوارگان از چنین گرامتی محروم شده اند. جابجایی جمعیت های عمدتاً گُرد منطقه منجر به پراکندگی آنها و تشدید جنگ با گروه های افراطی گُرد همچون پ.ک.ک شده است (Meiger, 2018: 7). این مسأله باعث شده است که پروژه های آبی این منطقه، بخشی از استراتژی امنیت داخلی دولت ترکیه در نظر گرفته شود، زیرا از یک طرف قرار بود گردها را به ترک های مدرن وفادار به دولت ترکیه تبدیل نماید و از سوی دیگر، کنترل و اقتدار دولت را از طریق اقتصاد کشاورزی، آموزش و یارانه های دولتی در این منطقه، تضمین کند (Bilgen, 2018: 1). دوم: اینکه سدهای ساخته شده در پروژه گاپ، به مرور زمان همچون «دیوارهای آبی» و به نوعی ابزاری دفاعی- نظامی تبدیل شده اند، زیرا از آنجایی که این سدسازی ها مناطق وسیعی را در بر می گیرند، مانعی برای حرکت آزادانه و عملیات نظامی گروه های معارضی مانند پ.ک.ک هستند. برای نمونه، سدهای همجوار با مرز ترکیه و عراق، مانع از ورود پ.ک.ک از عراق به ترکیه می شوند. از این رو مقامات ترکیه استدلال می کنند که «به دلیل وجود سدها، تروریست ها دیگر نمی توانند به راحتی از منطقه ای به منطقه دیگر عبور کنند»، بنابراین سدها، به



مکانیسمی برای کنترل مرزی در مسیرهای مورد استفاده پ.ک.ک تبدیل شده‌اند (Meiger, 2018: 8 and Warner, 2012: 231-250).

۴-۳. کنترل منابع آبی: به مثابه اهرمی در جهت استراتژی منطقه‌ای ترکیه

ترکیه از سال ۲۰۰۰ به بعد، ۵۸۵ سد بر روی رودخانه‌های کشورش احداث کرده است؛ این راهبرد کنترل منابع آبی، همواره موجب نگرانی همسایگان ترکیه بوده است. کشورهای پایین دست یعنی سوریه، عراق و ایران مدعی هستند که براساس کنوانسیون «استفاده غیرناوبری از مسیرهای آبی بین‌المللی فرامرزی» و توافقات کمیته فنی مشترک (۱۹۸۰)، ترکیه باید پیش از اجرای این پروژه‌های عظیم به آنها اطلاع می‌داد، زیرا بر آب‌های حوضه مشترک در منطقه، تأثیر مستقیم می‌گذارد (اسدالهی و ذکی، ۱۳۹۹: ۳).

پروژه گاپ:

اجرای پروژه گاپ، ترکیه را قادر می‌سازد در حوضه فرات و دجله، یک تعیین‌کننده باشد و این مسأله می‌تواند درگیری‌های بعدی ترکیه با عراق (و سوریه) را شعله‌ور سازد. همچنین، این پروژه با اجازه دادن به ترکیه برای مسدود کردن جریان آب به کشور سوریه که پیامدهای فوری برای روابط آبی سوریه با عراق در رودخانه فرات دارد، عراق را در یک بن‌بست قرار دهد که ممکن است تلاش برای رفع آن به منازعه بیشتر و جنگ با همسایگان منجر شود. علاوه بر این، پروژه‌های مهار آب در بالادست، منجر به کاهش کیفیت آب رودخانه‌های دجله و فرات، از بین رفتن تالاب‌های تاریخی بین‌النهرین، برهم خوردن اکوسیستم خلیج فارس، افزایش مساحت کانون‌های ریزگرد، مهاجرت ساکنین بومی و به زیر آب رفتن مناطق باستانی منطقه شده است (مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

پروژه داپ:

گفته می‌شود که ترکیه نتایج و تجارب حاصله از پروژه گاپ را برای اجرا و نهایی‌سازی پروژه سدسازی و کنترل منابع آبی در «طرح آناتولی شرقی» یا «داپ»^۱ (در مسیر ارس)، به کار گرفته است. ترکیه در پروژه «داپ» که از سال ۱۹۹۸ شروع شده است برخلاف گاپ، برای جلوگیری از ایجاد جو بین‌المللی علیه آن در انتشار اطلاعات آن همواره سخت‌گیری کرده است. همچنین وزارت امور خارجه ترکیه رسماً بر انتشار اسناد و مدارک آن نظارت دارد. به همین دلیل آمارهای متفاوتی از احداث ۱۰ تا ۹۰ سد و طرح

۱- پروژه داپ (East Anatolian Project (Dogu Anadolu Projesi: DAP)، به مرکزیت شهر ارزروم به عنوان یکی از پروژه‌های توسعه منطقه‌ای ترکیه در سال ۲۰۱۱ برای توسعه ۱۵ استان شرقی ترکیه شروع به کار کرد.



آبیاری در پروژه داپ مطرح شده است. پروژه داپ که بخش عمده‌اش روی حوضه «ارس» و «کورا»^۱ ساخته می‌شود، به طور مستقیم بر ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار است. از جمله سدهای بزرگ و در حال احداث در این پروژه، سدهای «کاراکورت، سویلمز، نارین قلعه» می‌باشند (کازمی، ۱۴۰۱: ۴۸). یکی از اهداف اصلی ترکیه از ساخت سد کاراکورت، تولید انرژی برق آبی ذکر شده است. اما پروژه داپ، بر میزان دبی رودخانه ارس و حجم ذخیره آب تأثیر می‌گذارد و مناطق پایین دست یعنی ایران از نظر کشاورزی دچار صدمه می‌گردند و مناطق حاصل خیز شمال غربی کشور ایران با بحران بی‌آبی مواجه می‌شوند (کلانتری و حکمت آرا، ۱۳۹۹: ۹-۱۰). بنابراین انتظار می‌رود همان پیامدهایی که از اجرای گاپ بر کشورهای پایین دست در رودخانه‌های دجله و فرات رقم خورده است، در انتظار کشورهای پایین دست پروژه داپ، به ویژه ایران باشد.

محدوده پروژه گاپ و داپ در حوضه آبی مشترک با ایران و عراق



منبع: (نادری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۰).

در مجموع موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه در بالادست رودخانه‌های دجله و فرات، این کشور را به بهره‌برداری از این وضعیت در بازی‌های استراتژیک خاورمیانه کشانده است. ترکیه بر آن است که همانند رقبای منطقه‌اش یعنی ایران و عربستان که سال‌ها با تکیه بر نفت دست برتر را در معماری نظم منطقه‌ای در خاورمیانه داشته‌اند، این جایگاه را با تکیه بر آب به دست آورد. بنابراین ترکیه در یک دهه گذشته، درگیر رقابتی شدید با جمهوری اسلامی ایران و عربستان برای کسب قدرت و نفوذ بیشتر در خاورمیانه بوده است. بر این اساس، ترکیه در دو دهه پایانی قرن بیستم به دنبال تغییر اساسی در سیاست خود بود تا موقعیت بین‌المللی خود را در دوران حکومت امپراتوری عثمانی بازگرداند. گفته می‌شود که استفاده از

1- Kura



طرح‌های توسعه‌ای چون گاپ، کمک بزرگی برای دستیابی به این آرمان است. با اجرای این طرح‌ها و سیاست‌های آبی، ترکیه با توجه به جایگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در منطقه، به قدرت هژمون در حوضه آبی نیز تبدیل شده است (Tezcur and others, 2021: 360). از طرف دیگر، گفته می‌شود که ترکیه با پروژه گاپ در نظر دارد منطقه جنوب شرق کشور را اصطلاحاً به یک «سبد نان» برای خاورمیانه و به یک نیروگاه برق آبی قوی تبدیل کند. در نتیجه این سیاست، ترکیه به یک صادرکننده محصولات کشاورزی تبدیل می‌شود. با امکاناتی که این سد برای ترکیه فراهم می‌آورد، امنیت غذایی ترکیه تأمین می‌شود و با ایجاد خشکسالی در پایین دست، در عوض به وابستگی کشورهای منطقه به واردات محصولات کشاورزی از ترکیه دامن می‌زند (Meiger, 2018: 4). بدین ترتیب ترکیه با استفاده از موقعیت بالادست رودخانه‌ای و تقویت قدرت اقتصادی، نظامی و ایفای نقش هژمون آبی در حوضه دجله و فرات، توان تأثیرگذاری بر مناسبات قدرت و مذاکرات میان طرفین را به نفع خود افزایش داده است. به طور کلی، اجرای مگا پروژه‌های آبی در ترکیه را می‌توان از طرح‌های کلان آبی تلقی نمود که نه تنها تأثیر بسزایی بر شرایط اقلیمی و مناسبات آبی ترکیه و بخش‌های مهمی از منطقه خواهد داشت، بلکه آینده معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه با همسایگان را متحول خواهد نمود.

۵. چالش‌های کشورهای پایین دست: پیامدهای کنترل منابع آبی

براساس بررسی‌ها بیشترین تأثیرات احداث سد بر روی دجله و فرات، شکل‌گیری منازعات سیاسی، از بین رفتن امنیت غذایی، جابجایی جمعیت، خشک شدن تالاب‌های هورالهویزه و هورالعظیم و نفوذ آب شور به خلیج فارس خواهد بود (متقی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰۳). بنابراین کنترل منابع آبی در حوضه مشترک و سدسازی‌ها در کشورهای ترکیه، عراق (و سوریه)، با وجود منافی که برای این کشورها دارد، اما از زاویه امنیت زیست‌محیطی، امنیت غذایی و کشاورزی و همچنین از جنبه هویتی برای کشورهای پایین دست یعنی عراق و ایران تأثیرات منفی و چالش‌هایی در پی خواهد داشت.

۵-۱. بحران زیست‌محیطی در پایین دست

در پی سدسازی‌های بالادست، جریان طبیعی رود فرات به عراق از ۷۵ درصد به ۲۸ درصد کاهش یافته است. افزون بر سدسازی‌های ترکیه، سوریه نیز برای دو برابر کردن مساحت آبیاری با سدسازی بر این رود، برداشت از فرات را از ۵ میلیون مترمکعب به ۹ میلیون مترمکعب افزایش داده است (حافظنیا و



همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶۳). همچنین تجزیه و تحلیل کیفیت آب دجله و فرات، نشان می‌دهد که میزان شوری آب این رودخانه‌ها، افزایش یافته و برای آبیاری نامناسب شده است (Adamo and others, 2020: 43). بر این اساس، گفته می‌شود دولت ترکیه با کنترل منابع آبی بالادست، به طور مستقیم باعث بحران و تنش در بخش کشاورزی در عراق (و سوریه) و افزایش روند خشک شدن تالاب هورالعظیم شده است و در کنار دشت بین‌النهرین که رطوبت خود را از دست داده و به منبعی برای تولید گرد و غبار تبدیل شده است. تحقیقات «برنامه آب سازمان ملل» نشان می‌دهد که کشورهای پایین دست، همچنان تا سال‌ها در معرض ریزگردها قرار خواهند داشت و با تشدید بحران تولید ریزگردها، امنیت زیست‌محیطی این مناطق با مخاطره مواجه خواهد شد (فرهادی، ۱۳۹۹: ۱۸۵). همچنین کاهش کیفیت آب رودخانه دجله بر اروندرود تأثیر می‌گذارد، زیرا نفوذ آب شور خلیج فارس به داخل اروندرود را افزایش می‌دهد. این موضوع، هم بر هزینه نگهداری اروندرود اثر می‌گذارد و هم باعث تغییر خط تالوگ می‌گردد (نواری، ۱۳۹۷: ۲۲۹-۲۲۸). به علاوه، عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آب‌دار زیرزمینی افزایش خواهد یافت، زیرا آب‌های شور خلیج فارس به دلیل کاهش حجم اروندرود به سمت بصره نفوذ خواهند کرد و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش خواهند داد. در نتیجه، مرگ و میر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش خواهد یافت؛ تا جایی که از دهه ۱۹۹۰ تا کنون جمعیت ماهی‌های این منطقه به نصف کاهش یافته است. همچنین با کم شدن آب ورودی اروندرود به خلیج فارس غلظت نمک در خلیج فارس بالا می‌رود و با نابودی سواحل مرجانی و اکوسیستم با ارزش آن بسیاری از آبزیان از جمله آبزی صنعتی میگو و بسیاری از انواع ماهی‌های صنعتی امکان ادامه حیات در آب‌های خلیج فارس را نخواهند داشت (متقی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰۳).

۲-۵. بحران کشاورزی و مواد غذایی در پایین دست

با کاهش آب‌های ورودی به عراق، بخش کشاورزی و دام‌پروری این کشورها نیز آسیب جدی دیده و واردات انواع مختلف مواد غذایی افزایش یافته است. پروژه گاپ و سد ایلیسو از ورود ۵۶ درصد منابع آب دجله به خاک عراق (و سوریه) جلوگیری کرده و باعث شده است که بیش از ۶/۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی این دو کشور دچار بحران شود، همچنین با کاهش حق‌آبه شرب عراق، باعث توسعه مناطق بیابانی در این کشور شده است (میان‌آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۶۳). موضوع بحران زیست‌محیطی و خشکسالی‌های عراق علاوه بر ایجاد کانون‌های ریزگرد، بر کیفیت زمین‌های کشاورزی این منطقه نیز تأثیر خواهد گذاشت و کاهش کیفیت محصولات کشاورزی و در نهایت خشکسالی دائمی را در پی



خواهد داشت. برای کشور ایران نیز، با توجه به اینکه بسیاری از محصولات کشاورزی مصرفی کشور در منطقه جغرافیایی غرب و جنوب غربی تأمین می‌شود، این عامل خود خطر تهدید امنیت غذایی را برای ایران در پی خواهد داشت. این همان سیاستی است که در آینده به نفع ترکیه و به ضرر ایران و عراق می‌شود، زیرا همان‌گونه که ترکیه در نظر دارد که کشورش به عنوان سبد تأمین خوراک خاورمیانه تبدیل شود، کشورهای پایین دست به عنوان یک واردکننده محصولات کشاورزی به ترکیه وابستگی پیدا می‌کنند. از این منظر، وابستگی بیشتری به سیاست‌های ترکیه در بالادست حوضه مشترک آبی، به وجود می‌آید و ترکیه می‌تواند بر رفتار و سیاست‌های این دو کشور در زمینه امنیت غذایی و آبی تأثیر مستقیم داشته باشد.

۳-۵. افزایش محدودیت‌های ژئوپلیتیکی: هویت‌طلبی کردها و امکان حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای

از نظر برخی پژوهشگران، پویایی در یک محیط سیاسی، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ نخست: آنکه به دلیل نابرابری‌های سیاسی، عوامل محیطی می‌توانند تأثیر متفاوتی بر جوامع خاص داشته باشند. ثانیاً برنامه‌های توسعه در حوزه منابع طبیعی مانند آب، می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی، مورد استفاده قرار گیرد. هر دو مورد فوق می‌توانند در بلندمدت باعث ایجاد تعارض شوند یا در پویایی تعارضات موجود نقش داشته باشند. برای مثال، پروژه گاپ چنین استفاده سیاسی از توسعه آب را ارائه می‌دهد (Meijer, 2018: 11). بر این مبنا می‌توان گفت در منطقه، از یک طرف کردها خود را در محدودیت بیشتر و انزوای ژئوپلیتیک می‌بینند، بنابراین سعی می‌کنند به دنبال یک متحد استراتژیک برای خود بگردند و این مسأله در مورد کردها راهی باز می‌کنند تا به سوی غرب و آمریکا تمایل پیدا کنند و حضور آنها را در منطقه موجب می‌گردد (چگنی‌زاده و آثار، ۱۳۸۸: ۲۱۴). از طرف دیگر با توجه به مشکلاتی که برای کردها در ترکیه در اثر سدسازی رخ داده است، احتمالاً شورش کردها در ترکیه و عراق بیشتر می‌شود و در نتیجه پای بازیگران غربی در میان کردها و تحریک آنها بیشتر می‌شود. همچنین ایده پان‌گردی پ.ک.ک با هدف ایجاد خودمختاری‌های دموکراتیک و کنفدرالیسم دموکراتیک در جوامع کرد خاورمیانه، تهدید امنیتی جدی برای کشورهای با جمعیت کرد قابل توجه، نظیر ایران به شمار می‌رود (تقی‌لو و خیری، ۱۳۹۹: ۸۰).



۶. تجزیه و تحلیل روابط متغیرهای پژوهش از منظر نواقع گرای: رفتار بازیگران در حوضه آبی

مشترک

پژوهشگران متعددی بیان کرده‌اند که در بررسی‌های امنیت بین‌المللی باید تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست و همچنین دسترسی به آب، به ویژه در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد. زیرا در خاورمیانه مسائل آب و موقعیت حوضه‌های آبی و رودخانه‌های منطقه، تنها بر روابط بازیگران اصلی خاورمیانه تأثیر نمی‌گذارند، بلکه بر ساختار امنیت جهانی نیز تأثیر می‌گذارند (Scoullas and Ferragina, 2010: 74). بر مبنای دیدگاه نواقع‌گرایان، از آنجا که سیاست‌ها و کنش‌های دولت‌ها در راستای تولید و افزایش قدرت خود است، می‌توان موضوع کنترل و مدیریت منابع آب را به عنوان ابزاری در دست دولت‌ها، در جهت کسب برتری در برابر رقیبان و تبدیل شدن به یک بازیگر هژمون، یک بازیگر دارای قدرت اثرگذاری و نظم‌ساز در نظر گرفت. این دیدگاه می‌تواند در تحلیل مسائل پیچیده حوضه آبی مشترک میان ترکیه و عراق و ایران مد نظر قرار گیرد، چرا که در نظام آنارشیک بین‌المللی و منطقه‌ای خاورمیانه، کنش‌ها و سیاست‌های آبی بالادست از سوی ترکیه عملاً می‌تواند امنیت برای خود و ناامنی برای دیگران ایجاد نماید؛ بنابراین بحران آب در منطقه، آغازگر تعارضات و تقابل‌های امنیتی-سیاسی خواهد بود.

۶-۱. استفاده از منابع آبی در جهت راهبرد منطقه‌ای

به طور طبیعی، هر کشوری در پی بیشینه‌سازی سود حاصل (برداشت) از منابع آبی در یک حوضه مشترک است. لذا در منطقه‌ای که آب دچار کمبود و بحران است، تعاملات بین دولت‌ها به صورت رقابتی بوده و برای دستیابی به حجم بیشتری از آب، رقابت ایجاد خواهد شد و حتی در مناطق پر آب، رقابت کشورها می‌تواند با هدف تولید بیشتر انرژی برق آبی، کنترل سیلاب و یا با هدف کنترل کیفیت آب باشد. بنابراین در یک حوضه آبی مشترک، بازیگر هژمون، کشوری است که کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آب مشترک باشد. این کشور یا ذی‌مدخل، تعیین می‌کند که سایر ذی‌مدخلان و شرکا چه میزان، چه زمانی، چرا و چگونه از منابع آب مشترک می‌توانند بهره‌برداری کنند (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۴). به دلیل اتخاذ مواضع انعطاف‌ناپذیر از سوی ترکیه و اعمال حاکمیت ملی بر آب‌های حوضه مشترک و اصرار بر عدم مذاکره پیرامون آنها و همچنین اتخاذ مواضع مبتنی بر بیشینه‌سازی قدرت خود



و هژمون‌گرایی منطقه‌ای و رویکردهای تهاجمی، به طور کلی می‌توان گفت که ترکیه با اجرای پروژه‌های کلان آبی دو هدف عمده را دنبال کرده است:

- در وهله نخست: کنترل جریان آب دجله و فرات در راستای ایجاد مزایای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی.

- در وهله دوم: مدیریت و کنترل تخصیص آب به کشورهای پایین‌دست، جهت ایجاد وابستگی راهبردی آنها؛ که در هر دو حالت موجب تقویت موازنه قدرت به نفع آنکارا و تضعیف توان رقبا می‌باشد.

بنابراین، نگاه راهبردی به پروژه‌های آبی و مهار آب‌های حوضه مشترک که فراتر از نیازهای آبی ترکیه ارزیابی می‌شود، به نوعی با منطقه‌گرایی آنکارا و ابزارسازی رهبران این کشور برای تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای ارتباط مستقیم داشته و نشانه اهداف کلان‌تری بر پایه هژمون‌گرایی ترکیه دارد (سرخیل، ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۱۸).

بدین ترتیب ترکیه با برقراری پیوند موضوعی میان آب و سایر مباحث سیاسی توانسته است از آن به عنوان ابزار مهمی در معادلات منطقه‌ای، جهت اخذ امتیازات و کسب قدرت نسبی در منطقه استفاده کند. گفته می‌شود که با چرخش سیاست خارجی ترکیه به سمت ایفای نقش بیشتر در منطقه (با ظهور نوع‌مانی‌گرایی پس از سال ۲۰۰۳ و همچنین تحولات انقلابی خاورمیانه عربی در سال ۲۰۱۱)، ترکیه تلاش کرده است تا به نظم در حال ظهور منطقه‌ای، ساختار و شکل مورد نظر خود را تحمیل نماید و تحولات منطقه‌ای را به سمت منافع راهبردی آنکارا هدایت کند. بنابراین اولویت اصلی کنش‌گری خود را در خاورمیانه، بازنگری در عمق راهبردی ترکیه جهت تغییر موازنه در برابر رقبای منطقه‌ای، قرار داده است؛ این امر سبب شده تا رهبران این کشور به دنبال ابزارسازی‌های مختلف در سیاست خارجی خود باشند. در این راستا، بهره‌گیری از سیاست‌های آبی در حوضه مشترک منطقه، از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است و به منزله یکی از ابزارهای راهبردی کنش‌گری ترکیه محسوب می‌شود. در واقع موقعیت استراتژیک ترکیه و تسلط آن بر حوضه‌های آبی مشترک در منطقه، به عنوان یک دارایی راهبردی برای پیگیری سیاست‌های جدید ترکیه محسوب شده که در نظر رهبران این کشور می‌تواند کلید معادلات آتی ژئوپلیتیکی خاورمیانه تلقی شود.

بنابراین از منظر نواقح‌گرایی، دور از انتظار نخواهد بود ترکیه که در بالادست حوضه آبی مشترک واقع شده، جهت بالفعل‌سازی ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی، از ایجاد زیرساخت‌هایی از طریق پروژه‌هایی



نظیر گاپ و داپ، در جهت راهبرد هیدروهمژمونی گام بردارد. در واقع اجرایی کردن طرح‌های آبی و ساخت مگا پروژه‌های گاپ و داپ در ترکیه، عملاً هیدروپلیتیک مناطق پایین‌دست یعنی عراق و ایران (و سوریه) را متحول ساخته و مشکلات فزاینده‌ای را برای این بهره‌برداران ایجاد نموده و با ایجاد برتری نسبی در کنترل منابع آبی مشترک برای ترکیه، به تدریج سراسر مناطق پایین‌دست را متحول خواهد کرد. این موضوع می‌تواند سبب بر هم خوردن توازن قدرت به نفع ترکیه شود. بنابراین در اینجا فرضیه رقیب پژوهش را می‌توان رد کرد زیرا با سیاست‌های فوق‌الذکر، امکان همگرایی و همکاری میان ایران، ترکیه و عراق عملاً از بین می‌رود و منافع فردی کشور ترکیه در تقابل با منافع جمعی این دولت‌ها قرار گرفته است.

۶-۲. همکاری ایران و عراق: امکان شکل‌گیری توزان در برابر سیاست‌های آبی بالادست

از منظر دولت‌های پایین‌دست، سیاست‌های آبی ترکیه اگرچه منافع بسیاری برای آنکارا به همراه دارد، اما می‌تواند اثرات امنیتی و پیامدهای زیانباری بر مسائل وابسته به منابع آبی عراق و ایران (و سوریه) داشته باشد. بنابراین بر مبنای نواقح‌گرایی می‌توان گفت از افزایش بیش از حد قدرت ترکیه و هیدروهمژمونی شدن این کشور در منطقه، از سوی عراق و ایران به عنوان تهدیدی مستقیم و جدی در نظر گرفته می‌شود و می‌توان انتظار داشت که عراق و ایران تا حد امکان بر خودیاری تأکید ورزند و در صورت فقدان زمینه‌های آن، به سمت همکاری در جهت موازنه‌سازی در مقابل سیاست‌های آبی ترکیه حرکت کنند. البته با توجه به بی‌ثباتی‌های داخلی عراق و ناتوانی در پیگیری منافع ملی، در کوتاه مدت امکان «دنباله‌روی» از سیاست‌های آبی ترکیه وجود دارد. اما در بلندمدت، عراق با وجود ضعف در قدرت ساختار سیاسی خود، به سمت دنباله‌روی از ترکیه حرکت نمی‌کند، زیرا این به معنی هم‌پیمانی با دولتی است که خودش چالش‌های آبی را برای عراق ایجاد کرده است. بر این اساس، می‌توان نزدیکی بیشتر و همکاری ایران و عراق در این زمینه را در نظر داشت. در این رابطه، علی‌رغم اختلافات تاریخی عراق و ایران در مسائل آبی و مرزی، این دو کشور در سال‌های اخیر به سمت فعال‌سازی مجدد «کمیته مشترک آب ایران و عراق» حرکت کرده‌اند و در جهت تقویت همکاری‌های مشترک در حوزه آب و انرژی، نشست‌ها و توافقاتی داشته‌اند. برای مثال، در حاشیه کنفرانس آب بغداد (۲۰۲۳)، وزارت منابع آبی عراق نیز از توافقاتی در زمینه برگزاری نشست فنی - تخصصی برای بررسی پرونده آب با ایران خبر داد (خبرگزاری ایسنا: ۱۴۰۲/۲/۱۸). این مقام عراقی، ترکیه را همچنین مقصر اصلی کم آبی کشورش خوانده و اعلام کرد است که بغداد برای حل مشکل کم آبی، پروژه‌های مشترک با ایران از جمله ساخت



سد بر روی اروندرود را دنبال خواهد کرد (خبرگزاری فارس: ۱۴۰۲/۴/۲). این موارد نشان می‌دهد عراق و ایران می‌توانند با شکل‌دهی به همکاری دوجانبه در موضوعات دیگری نظیر طوفان ریزگردها و پدیده شوری اراضی منطقه که ناشی از سیاست‌های آبی ترکیه در بالادست بوده است، توجه این کشور را به منافع مشترک خود در این زمینه جلب نمایند و در صورت نیاز، در برابر سیاست‌های آبی ترکیه، اقدامات موازنه‌گرایانه خود را هماهنگ سازند. بنابراین طبق فرضیه پژوهش، سیاست‌های آبی بالادست و تلاش برای هژمون‌شدن در حوضه مشترک آبی، پیامدهایی برای کشورهای پایین‌دست یعنی عراق و ایران داشته است که به تهدیدات و چالش‌های جدی برای آنها تبدیل شده و در آینده نیز تداوم خواهند یافت. بر این اساس، این دولت‌ها ضرورتاً در جهت کاهش آثار این چالش‌ها تلاش می‌کنند که سیاست‌های خود را در این زمینه همگرا نمایند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر این پرسش را مطرح کرده است که تأثیر بحران آب بر مناسبات ایران، ترکیه و عراق (۲۰۲۳-۲۰۰۰) را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ برای پاسخ به این سؤال، تلاش شد تا از منظر رویکرد نواقح‌گرایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار بگیرند. در این راستا بیان شد که حوضه مشترک آبی میان سه کشور ایران، ترکیه و عراق یعنی «حوضه دجله- فرات و حوضه ارس» تحت تأثیر هیدروهمومنی بازیگر بالادست و سیاست‌های آبی ترکیه قرار گرفته است. با اجرای پروژه‌های کلان آبی و کنترل جریان آب توسط ترکیه، از یک طرف مزایای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراوانی برای این کشور فراهم شده است و از طرف دیگر مدیریت و کنترل آب، کشورهای پایین‌دست را به سیاست‌های ترکیه وابسته می‌سازد. بدین ترتیب، بر اساس رویکرد نواقح‌گرایی این فرضیه تأیید گردید که ترکیه بر مبنای مؤلفه‌های قدرت، موقعیت جغرافیایی، ظرفیت و توانایی بهره‌برداری خود در جایگاه هژمون آبی منطقه قرار گرفته و منافع سایر کشورهای این حوضه آبی مشترک را نادیده گرفته است و عملاً هیدروپلیتیک مناطق پایین‌دست یعنی عراق و ایران به طور تهدیدآمیزی تحت تأثیر قرار گرفته است. در نتیجه، افزایش قدرت ترکیه در حوضه آبی مشترک، به عنوان تهدیدی مستقیم و جدی برای امنیت و محیط‌زیست در عراق و ایران تبدیل شده است. بنابراین در چارچوب نواقح‌گرایی در چنین مواقعی می‌توان انتظار داشت که عراق و ایران در گام نخست به سمت خودیاری و اتکالی به خود حرکت کنند و در صورت فقدان زمینه‌های آن به سمت اتحاد و ائتلاف در جهت موازنه در مقابل سیاست‌های آبی ترکیه پیش بروند.



منابع

- اسداللهی، سروش، و ذکی، یاشار، (۱۳۹۹)، هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه، فصلنامه آمایش سیاسی فضا دوره ۳، زمستان، شماره ۱، صص ۹-۱.
- اسدی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۲۳-۲۵۲.
- تقی‌لو، فرامرز، و خیری، مصطفی، (۱۳۹۹)، بحران سوریه و سیاست مقابله با ظهور کردستان (۲۰۲۰-۲۰۱۱)، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال نهم، شماره ۱، صص ۵۵-۸۴.
- جعفری‌ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور.
- چگنی‌زاده، غلامعلی، و محمد آتاتمر، (۱۳۸۸)، تحركات قومی گُردها و امنیت ملی ترکیه، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۱۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، طاهری، احمد، فرج‌زاده‌اصل، منوچهر و کرمی‌نژاد، حسین، (۱۳۹۶)، تأثیر عوامل سیاسی در تشدید پدیده گردوغبار در حوضه رودخانه‌ای دجله و فرات، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، ش ۴، صص ۸۵۷-۸۶۸.
- حمیدی، سمیه، و مزدخواه، احسان، (۱۴۰۱)، ترکیه و هیدروژئومون‌گرایی در خاورمیانه: راهبردی برای نظم‌سازی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک بین‌النهرین، مطالعات سیاسی بین‌النهرین، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۹-۵۲.
- خبرگزاری ایسنا: ۱۴۰۲/۲/۱۸، قابل دسترسی در: <http://isna.ir/xdNPPN>
- خبرگزاری فارس: ۱۴۰۲/۴/۲، قابل دسترسی در: <http://fna.ir/3dgv0c>
- سرخیل، بهنام، (۱۴۰۰)، آب و راهبرد هیدروژئومون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- طاهرخانی، سعیدرضا، (۱۴۰۱)، تحلیل هیدروپلیتیک پروژه آناتولی جنوب شرقی ترکیه (گاپ): نگاهی عمیق به تأثیرات سیاست آبی ترکیه بر عراق، ایران و سوریه، برگرفته از سایت ایران دیپلماسی.
- فرهادی، علی، (۱۳۹۹)، تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، نشریه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۸۵-۲۱۶.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- قائم‌مقامی، سید علی، (۱۳۹۶)، بحران آب و آب‌های فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط‌زیست ایران، فصلنامه مطالعات منافع ملی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۹۷-۱۱۷.
- قریشی، زهرا، میان‌آبادی، حجت، و حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۹)، تحلیل ابعاد مأموریت هیدرولیکی در هیدروپلیتیک ترکیه، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۳۰۴-۳۳۱.
- قوام، سیدعبدالعلی، و ایمانی، همت، (۱۳۹۱)، نظریه رئالیستی اتحاد در روابط بین‌الملل، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰، صص ۳۷-۶۶.



کاظمی، احمد، (۱۴۰۱). پروژه‌های گاپ و داب ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال هفتم، شماره اول، صص ۴۵-۸۵.

کرمی، افشین، حسن‌زاده، جواد، و پیشگاهی‌فرد، زهرا، (۱۳۹۵). تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۲۹-۵۱.

کلاتری، جلال، و حامد، حکمت‌آرا، (۱۳۹۹). بررسی هیدروپلیتیکی سدسازی‌های ترکیه در حوضه ارس، نهمین همایش ملی سامانه‌های سطوح آبگیر باران.

کولایی الهه، و سلطانی، محمدجواد (۱۳۹۲). مساله آب و روابط کشورهای آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، پاییز، شماره ۳، صص ۷-۳۴.

متقی، افشین، صالح‌آبادی، ریحانه، و تکروستا، مریم، (۱۳۹۹). تبیین بازتاب‌های هیدروپلیتیک ساخت سد ایلیسو در کشورهای پایین‌دست (عراق، سوریه و ج.ا.ایران)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳۵، صص ۳۰۳-۳۳۲.

محرابی، علیرضا، ابراهیمی، حامد، و پناهی‌مهربانی، مجید، (۱۴۰۲). تبیین تأثیر رویکردهای هیدروپلیتیک ترکیه بر بحران ریزگردها در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، سال هفتم، شماره ۱، صص ۸۹-۱۱۲.

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات برنامه‌های تنظیم آب کشورهای همسایه در حوضه‌های مشترک مرزی بر ایران، ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه کشور.

میان‌آبادی، حجت، و امینی، اعظم، (۱۳۹۸). درهم تنیدگی آب، سیاست و محیط زیست در حوضه آبریز دجله و فرات، اعظم فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۴)، صص ۵۴-۸۶.

میان‌آبادی، حجت، و قریشی، زهرا، (۱۴۰۰). بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی، تحقیقات منابع آب ایران، سال هفدهم، شماره ۷، صص ۲۳۹-۲۶۱.

نادری، محمد، گودرزی، مهناز، و امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، (۱۴۰۱). بررسی پیامدهای سدسازی‌های ترکیه بر امنیت ملی کشورهای تأثیرپذیر از دجله و فرات، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره چهارم، صص ۱۳۷-۱۹۳.

نواری، علی، (۱۳۹۷). ساخت و راه‌اندازی سد ایلیسو در ترکیه و پدیده ریزگردها در ایران: اولویت اصول مرتبط با حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، نشریه مطالعات حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۲۱۹-۲۶۱.

نیرومندفرد، فریبا، و شهدی، علی، (۱۳۹۷). هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه کردن مصرف آب‌های مشترک مرزی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۲۳۳-۲۵۹.

Adamo, N., Al-Ansari, N., & Sissakian, K. (2020). How Dams Can Affect Freshwater Issues in the Euphrates-Tigris Basins, *Journal of Earth Sciences and Geotechnical Engineering*, Vol.10, No. 1, p 43-76.

Allouche, J. (2020). Nationalism, legitimacy and hegemony in transboundary water interactions, *Water Alternatives*, No 13 (2), p 286-301.

Altinbilek, D. (2004). Development and Management of the Euphrates-Tigris Basin. *Water Resources Development*.

Amery, H., & Wolf, A. (2000). *Water in the Middle East: A Geography of Peace*. Austin: The University of Texas Press.



- Axelrad Cahan, J. (2017). *Water Security in the Middle East: Essays in Scientific and Social Cooperation*, published in UK and USA by ANTHEM PRESS.
- Bilgen, A. (2018). Turkey's Southeastern Anatolia Project (GAP): A qualitative review of the literature, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 47(7), p 652–671.
- David, M., and Passarelli, R. (2015). Conflict Basins: Powderkegs to Paecepipes, *SAIS Rev*, No 35, p 145- 157.
- Dinar, S. (2008). *International Water Treaties Negotiation and cooperation along transboundary rivers*, published by Routledge.
- Eckersley, R. (2012). *Global Environmental Politics*, In: Devetak, R, Burke, A, and George, J, 2012, 2nd Ed, *An Introduction to International Relations*, Cambridge University Press.
- Hayat, S and Gupta, J., Vegelin C., & Jamalialia, H., (2022). A review of hydro-hegemony and transboundary water governance, *Water Policy Vol 24*, No 11, p 1723-1740.
- Issa, I. E., Al-Ansari, N., Sherwany, G., & Knutsson, S. (2014). Expected future of water resources within Tigris–Euphrates rivers basin, Iraq. *Journal of Water Resource and Protection*, No 6 (5), p 421- 432.
- Julien, F. (2012). *Hydropolitics is What Societies Make of it (or Why we Need a Constructivist Approach to the Geopolitics of Water)*, *Sustainable Society*, 4(1), p 45- 71.
- Kehl, Jenny, R. (2011). *Hydropolitical Complexes and Asymmetrical Power: Conflict, Cooperation, and Governance of International River Systems*. *Journal of World-Systems Research*, 17(1), p 218- 235.
- Kibaroglu, A. (2017). *State-of-the-art Review of Transboundary Water Governance in the Euphrates–Tigris River Basin*, *International Journal of Water Resources Development*, 35(1): p 4- 29.
- Krzymowski, A. (2019). *Water as a weapon of war in the Tigris-Euphrates Basin*, *Przegląd Strategiczny*, No 9 (12), p 319- 334.
- Mahlakeng, MK. (2019), *A Theoretical Analysis of Hydropolitics*, *World Affairs: The Journal of International Issues*. Vol. 23, No. 4, p 36- 57.
- Mearsheimer, J. (2013). *Structural Realism*, (71- 88), In: Dunne, T, Kurki, M, and Smith, S, (3rd Ed), *International Relations Theories: Discipline and Diversity*, Oxford: Oxford University Press.
- Meijer, L. (2018). *The Southeastern Anatolia Project (GAP): water, counterinsurgency, and conflict*, *Course Food Security in International Politics: The Middle East and Africa*, sciences po, kumait program, p 1- 15.
- Mirumachi, Naho. (2015). *Transboundary Water Politics in the Developing World*, published by Routledge, Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- Salameh, E & Al-Ansari, N. (2021). *Deficient Developmental Planning Leading to Water Conflicts across Political Borders: The Way Forward*, *Article in Engineering*, p 158-172.
- Scoullou, M & Ferragina, E. (2010). *Environmental and Sustainable Development in the Mediterranean; The European Institute of the Mediterranean (IEMED) and the European Union Institute for Security Studies (EUISS)*: Paris, France; Volume 74, p 13- 51.



- Strategic Foresight Group. (2017). Water Cooperation Quotient; SFG: Mumbai, India; At: https://www.strategicforesight.com/publication_pdf/Water%20Cooperation%20Quotient%202017.pdf.
- Tezcur, G., Rebecca S., & Bruce, W. (2021). The Effectiveness of Harnessing Human Rights: The Struggle over the Ilisu Dam in Turkey, *Development and Change* 52(6), p 1343-1369.
- Warner, J. (2012). The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and international security linkages, *Int Environ Agreements, International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics* volume 12, p 231–250.
- Zeitoun, M. and Warner, J. (2006). Hydro-hegemony: a framework for analysis of trans-boundary water conflicts, *Water Policy*, 8 (5), p 435- 460.